



دوفصلنامه تاریخ علوم و فناوری دوره اسلامی
سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸
شماره پیاپی: ۱۵

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سر دبیر: محمد باقری
مدیر داخلی: زینب کریمیان
ویراستار: پویان رضوانی
اجرای جلد: محمود خانی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

همکاران علمی

حسن امینی * حمید بهلول * پویان رضوانی * حنیف قلندری * یونس کرامتی * امیرمحمد گمینی
شمامه محملی فر * یونس مهدوی * سجاد نیک فهم خوب روان

مشاوران علمی

پرویز اذکائی * یوسف ثبوتی * توفیق حیدرزاده
محمدابراهیم ذاکر * حسن طارمی * حمیدرضا گیاهی یزدی
مهلتی محقق * حسین معصومی همدانی * محمدجواد ناطق * سیدحسین نصر
علی بابایف (جمهوری آذربایجان) * جان لنارت برگرن (کانادا) * گلن وان پروملن (کانادا) * احمد جبار (فرانسه)
سرگی دمیدوف (روسیه) * رشدی راشد (فرانسه) * جمیل رجب (کانادا) * سری رامولا سارما (آلمان) * ژاک سزبانو (سوئیس)
جورج صلیبیا (امریکا) * حکیم سید ظل الرحمان (هند) * رادا چاران گوپتا (هند) * ریچارد لورج (انگلستان)
مصطفی موالدی (سوریه) * یان پیتر هوخندایک (هلند) * میچیو یانو (ژاپن)

تصویر پشت جلد: روی جلد چاپ عکسی دستورالمنجمین، مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۸.

نشانی مجله: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه چهارم، شماره ۱۶

کد پستی: ۹۳۵۱۹-۱۳۱۵۶ تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲ دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
miraselmi@mirasmaktoob.ir / miraselmi90@gmail.com

بها: ۲۰۰۰۰۰ تومان

ستارگان بیابانی - الکواکب البیابانیه^۱

پل کونیچ^۲

ترجمه ملیحه احسانی نیک^۳



پل کونیچ

در دو مقاله که پیشتر منتشر کرده‌ام، به اثری با عنوان کتاب هرمسی درباره ستارگان بیابانی^۴ که در اوایل قرن سیزدهم میلادی توسط سالیو فُن پادوا^۵ اهل تولدو (اسپانیا) از عربی به لاتینی برگردانده شد و همچنین به اصل عربی آن که نیمه نخستش در مجموعه نسخ خطی چستربیتی دوبلین به شماره ۵۳۹۹ پیدا شده است، پرداخته‌ام. چنان که در آنجا نشان دادم، ریشه این متن عربی منسوب به هرمس، ظاهراً از طریق فارسی میانه [دوره ساسانی]، به سنتی یونانی مربوط به ۳۰ ستاره درخشان می‌رسد؛ یعنی نظریه‌ای در احکام نجوم که «طبایع» سیارات را به این ستارگان نسبت می‌دهد و به این ترتیب آنها را در نظریه احکام نجومی وارد می‌کند.

در متن عربی، که ظاهراً برگرفته از منبعی فارسی است، ستارگان (ثوابت) با عنوان نامتعارف الکواکب البیابانیه^۶ نامیده شده‌اند. این عنوان ویژه را بعدها بسیاری از مؤلفان آثار اختربینی و اخترشناسی به‌کار گرفتند: کتاب الثمرة (ترجمه عربی از کتاب یونانی کارپوز^۷ منسوب به بطلمیوس

1. Kunitzsch, Paul, "Stelle beibenie - al-kawākib al-biyābāniya. Ein Nachtrag", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 131, 1981, pp. 263-267

۲. Paul Kunitzsch استاد بازنشسته دانشگاه لودویگ ماکسیمیلیانس مونیخ

۳. عضو هیئت علمی بنیاد دائرةالمعارف اسلامی (گروه قرآن)، ehsani29@gmail.com

4. *Liber hermetis de-stellis beibeniiis*

5. Salio von Padua

6. al-kawākib al-bābāniya

7. Καρπός

که احمد بن یوسف ابن دایه [د ۳۵۱ق] آن را شرح کرده است^۱؛ ابوریحان بیرونی، کتاب التفهیم (۴۲۰ق)^۲؛ ابواسحاق ابراهیم زرقالی (د ۴۹۳ق)^۳؛ ابن ابی الرجال (د بین ۴۳۲ و ۴۵۳ق)؛ جابر بن حیّان (شکوفایی ح ۱۰۰ق)؛ ابراهیم بن برحیا (د حدود ۵۳۰ق)؛ ابوالقاسم محمد بن احمد عراقی کیمیگر (ح میانه سده ۷هـ)؛ زناتی (ح سده ۷/۶هـ)^۴.

در ضمن گویا کلمه البابانیه به صورت های البیابانیه، البیابانیه، البیابیه و شاید البرباویه نیز نوشته شده است.

بیرونی، واضع صورت البیابانیه، در آنجا به تبعیت از فارسی نو چنین نامگذاری کرده است. او در مورد بیابان می گوید: (الثابتة) ... وسمیت بالفارسیة بیابانیه لأنّ الاهتداء فی الفلوات یكون بها (به فارسی بیابانی نامیده می شوند چون بر اساس آنها در بیابان جهت یابی می کنند). سایر مؤلفان شرقی و غربی نیز این توجیه را پذیرفتند که کلمه بیابان از فارسی نو گرفته شده است. در هر صورت در آن زمان من با این توجیه موافق بودم.

با این همه کلمه البیابانیه در واقع منشأ کاملاً متفاوت دیگری هم دارد که از رهگذر کارهای و. ب. هنینگ^۵ معلوم شد و بعدها به آن برخوردیم. هنینگ در کار خود بخش دوم بُندهشن را ترجمه کرده است. در این کتاب کیهان شناسی که به زبان پهلوی نوشته شده و مربوط به اواخر دوره ساسانی است، اصطلاح اویابانینگ *a-wiyābān-īg* [نا-سرگردان] برای ستارگان ثابت آمده است. واژه پهلوی اویابانینگ در آنجا در برابر واژه ای یونانی به کار رفته است: [اپلانِس] *ἀπλανής* کلمه رایج یونانی برای «ستارگان ثابت» (در مقابل سیارات) بوده و سپس از پهلوی به فارسی نورفته است. این استنباط از کلمه بیابانی به معنای «ستارگان ثابت»، که در عربی امروز نیز به کار می رود، از رساله احکام نجوم منسوب به هرمس گرفته شده که خود مأخوذ از فارسی میانه است.

[هنینگ در مقاله خود نشان می دهد (ص ۲۳۲، پانویس ۳) که واژه پهلوی «ویابان» به معنی سرگردان یا گمراه با صورت های مصدری «ویابانیدن» و غیره، با پیشوند منفی شده است و اخترشناسان ایرانی «اویابان» به معنی ناسرگردان یا ناگمراه را که ترجمه «اپلانِس» یونانی بود، از واژه نادقیق اختر (که همزمان به معنی ستاره، صورت و برج فلکی بود) برای اشاره به ستارگان ثابت مناسب تر

۱. طبق نظریه آر. لومی (R. Lemay)، شاید کتاب الثمرة توسط خود ابن دایه تألیف و به نام بطلمیوس جعل شده باشد. اما فعلاً این نظریه را تأیید نمی کنم.

۲. چاپ همایی، تهران، ۱۳۱۸، ص ۸۹: «دانستن ستارگان بیابانی که چگونه اند...»

۳. در رساله اش درباره الصفیحة؛ بنگرید به:

(با پانویس ۱، ترجمه آلمانی) p. 185 (متن عربی) J. M. Millas in: *Al-Andalus* 1 (1933), p. 184.

۴. در رساله اش با عنوان الأقوال المرضیه فی معرفة الأعمال الرملیه؛ صحت انتساب این متن به زناتی، نویسنده ای که عمدتاً به علم رمل و خاک بینی شهرت دارد و هنوز به تفصیل پژوهشی در مورد او انجام نشده، در حال حاضر نامعلوم است.

5. W. B. Henning: An Astronomical Chapter of the Bundahishn. In: *Journal of the Royal Asiatic Society*, 1942, pp. 229-248.

می‌دانستند. احمد بن عبدالجلیل سجزی (۳۳۴-۴۱۱ق) در رساله تحصیل القوانین لاستنباط الأحكام (نسخه پاریس، Arab ۵۲۲۴، برگ ۲۹ر) می‌گوید: «بیابانیات کواکب قدر اول و دوم و سوم و منازل قمر است» (تقی‌زاده، گاهشماری در ایران قدیم، ص ۳۳۵، پانویس ۴۶۹).

در اینجا ریشه اصطلاح الکواکب البیابانیه عرضه شد. و چنان که دیدیم، ریشه آن مبتنی بر حدسیات لغت‌شناختی نیست بلکه خوشبختانه ثابت شده که در اصل، ریشه آن در یک متن پهلوی است.

شناخت این لغت غریب در جهان عرب به حوزه طالع‌بینان و منجمان محدود نماند و لغت‌شناسان عربی کهن و فرهنگ‌نویسان نیز آن را مطرح کردند و پی گرفتند. این لغت در تاج‌العروس (ذیل بی‌ن)، قاموس (ذیل بی‌ن) و لسان‌العرب (ذیل ببن) ضبط شده است. مأخذ این فرهنگ‌ها، چنانکه در لسان‌العرب و تاج‌العروس نیز ذکر شده، تهذیب‌اللغة ازهری (۸۹۵-۹۸۰ق) است. در اینجا گفته شده است: «منذری^۱ از قول ابوهیثم^۲ به من گفت: الکواکب البیابانیات، کواکبی هستند که ماه و خورشید در کنار آنها توقف نمی‌کنند^۳. از طریق آنها در خشکی و دریا جهت‌یابی می‌شود. آنها در شمال آسمان هستند و باد شمال از آن جانب می‌وزد. نخستین آنها قطب^۴ است، کوكبی که زوال نمی‌یابد؛ آن‌سوتر جدی^۵ و فرقدان^۶ و آن بین (؟) قطب است و بنات النعش صغری^۹ در آنجاست (؟)». این عبارت در لسان‌العرب و بعداً در تاج‌العروس نیز آمده است.

لغت‌شناسان عرب لغت بابانیه - واژه‌ای بیگانه با خاستگاهی در فارسی میانه - را به لحاظ ریشه‌شناختی تشخیص ندادند و هر یک به دلخواه ریشه‌ای عربی (بی‌ن)؛ در لسان‌العرب به دلیل املائی مختلف، ببن) به آن نسبت دادند. معنای آن نیز درست بیان نشده است. گویا تا آنجا

۱. تهذیب‌اللغة، قاهره، ۱۹۶۴-۱۹۶۷: ج ۱۵، ص ۴۹۸، ذیل س: «أخبرني المنذري، عن أبي الهيثم، أنه قال: الكواكب البیابانیات، هي التي لا تنزل بها شمس ولا قمر، إنما تهتدي بها في البر والبحر، وهي شامية، ومهب الشمال منها، أولها القطب، هو كوكب لا يزول، والجدى والفرقدان، وهما بين القطب، وفيه بنات نعش الصغرى».

۲. در مورد شاهد ازهری، منذری (در رجب ۳۲۹) بنگرید به منابع زیر و مآخذی که در آنجاها نقل شده: C. Brockelmann: *Geschichte der arabischen Literatur*. 1. Leiden 1943, 124 und *Suppl.* 1. Leiden 1937, 189 (Nr. 6).

۳. گویا ابوهیثم رازی و منذری سالیهای طولانی با یکدیگر حشر و نشر داشته‌اند.

۴. منظور ستارگان ثابت خارج از منطقه البروج است که ستاره‌های مایل به شمال و جنوب هر دو را شامل می‌شود.

۵. القطب، قطب شمال و جنوب است و نیز جایی در آسمان اما قطعاً ستاره نیست.

۶. الجدی یا به عبارت بهتر الجدی ستاره آلفای دب اصغر است.

۷. الفرقدان جفت ستاره بتا و گامای دب اصغر است.

۸. ازهری در تاج‌العروس ذیل (بی‌ن) در این مورد توضیح داده و آن را به‌عنوان شاهدهی برای کاربرد بین به معنای وسط آورده که اشتباه است زیرا او آن تعبیر را بر اثر خطای نگارشی بیانیات خوانده (و به همین دلیل ذیل بی‌ن گنجانده) در حالی که نگارش درست آن بیابانیات است و از این رو در لسان‌العرب ذیل ببن آمده است.

۹. بنات النعش صغری ستاره‌های دب اصغر هستند و آن دو ستاره با نام مستقل که در بالا ذکر شد از ستارگان دب اصغرند.

دریافته‌اند که باید به ستارگان ثابت اطلاق شود، اما اساساً نه به ستارگان ثابت، بلکه تنها به بخشی از آن یعنی ستارگان دورِ قطبیِ شمالی اشاره کرده‌اند. با اینهمه معنا به طور کامل از دست نرفته اما به نحو کامل و درست هم ضبط نشده است. گذشته از این، متن عبارات آشفته است و نشان می‌دهد که فرهنگ‌نویس به موضوع افلاک و اطلاعات مربوط به آن اشراف ندارد تا جایی که نتوانسته است پدیده‌ها و اسامی ستارگان را به درستی شرح و تعریف کند و ارتباط آنها را با یکدیگر نشان دهد. با شاهی که از هری از ابوهیثم نقل کرده، اکنون سندی در مورد ورود آن نامگذاری غریب آن‌هم در حوزه ویژه احکام نجوم و اخترشناسی در حدود نیمه دوم سده سوم هجری در دست داریم. به نظر می‌رسد به لحاظ ترتیب زمانی کاملاً پذیرفتنی است که کتاب هرمسی درباره ستارگان ییابانی [که در آغاز این یادداشت ذکر شد] همچون برخی کارهای احکام نجومی دیگر در همان اوایل از فارسی به عربی ترجمه شده باشد (بسنجید با دوروتوس، عمرین فرخان و دیگران در اواخر سده دوم و اوایل سده سوم هجری).

